



روح‌الله خالقی و بازنمایی هویت ملی ایران: تحلیلی جامعه‌شناختی از موسیقی ملی

شهاب جعفری

چکیده

این پژوهش به بررسی ابعاد جامعه‌شناختی آثار روح‌الله خالقی و نقش آن‌ها در بازنمایی هویت ملی ایران می‌پردازد. خالقی، به‌عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار موسیقی معاصر ایران، کوشید با پیوند دادن سنت موسیقی دستگاهی به شیوه‌های نوین و الزامات جامعه‌ی مدرن، بستری برای تداوم فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی فراهم آورد. پرسش اصلی این است که آثار او چگونه در بازنمایی هویت ملی و ایجاد همبستگی جمعی نقش داشته‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی، مجموعه‌ای از آثار خالقی - از سرودها و تصنیف‌های میهنی تا تنظیم‌های موسیقی محلی و فعالیت‌های آموزشی - را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موسیقی خالقی، افزون بر ارزش زیباشناختی، کارکردی اجتماعی و فرهنگی در ملت‌سازی و تقویت احساس تعلق جمعی داشته است. همچنین، نهادسازی آموزشی و تلاش‌های او در ایجاد زبان موسیقایی میان‌بر سنت و نوگرایی، موسیقی ملی ایران را به پروژه‌ای پایدار و پویا بدل ساخت.

کلیدواژه‌ها: روح‌الله خالقی، موسیقی ملی ایران، هویت ملی، انسجام اجتماعی، جامعه‌شناسی موسیقی، سنت و نوگرایی

مقدمه

ملی‌گرایی در ایران سده‌ی بیستم، نه تنها در عرصه سیاست و اجتماع بلکه در حوزه فرهنگ و هنر نیز جایگاهی بنیادین یافت. موسیقی، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های فرهنگی، صحنه‌ای بود که در آن کشاکش میان سنت و تجدد به‌روشنی نمایان شد. در این میان، روح‌الله خالقی، آهنگساز، پژوهشگر و آموزگار موسیقی، نقشی برجسته ایفا کرد. او با تکیه بر میراث موسیقی دستگاهی ایران و در عین حال بهره‌گیری از فرم‌ها و امکانات نوین، کوشید تصویری موسیقایی از «ایران مدرن» ارائه کند؛ تصویری که هم پیوند با گذشته را پاس می‌داشت و هم ضرورت نوآوری را یادآور می‌شد. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که پروژه‌ی «موسیقی ملی» در ایران فراتر از کوشش‌های فردی موسیقی‌دانانی چون خالقی بوده و در بستری گسترده‌تر از تحولات اجتماعی و فرهنگی معنا یافته است (اختیار، ۱۳۹۵). تشکیل ارکسترهای بزرگ، تلاش برای چندصدایی کردن موسیقی ایرانی و همسویی سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی با ایده‌ی «ملی‌گرایی موسیقایی» از جمله زمینه‌هایی بودند که به ظهور و تثبیت این گفتمان انجامیدند. با این همه، در بسیاری از متون موجود، بررسی نقش خالقی در این فرایند به‌صورت تحلیلی و جامعه‌شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پرسش محوری مقاله حاضر آن است که آثار و اندیشه‌های خالقی چگونه در بازنمایی هویت ملی ایرانی عمل کرده‌اند و این بازنمایی تا چه اندازه با پروژه‌های کلان‌تر ملی‌گرایی موسیقایی در ایران هم‌راستا یا متفاوت بوده است. واکاوی این پرسش، از یک‌سو جایگاه خالقی را در تاریخ موسیقی ایران روشن‌تر می‌سازد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که چگونه موسیقی می‌تواند به‌مثابه ابزاری اجتماعی و فرهنگی در خدمت شکل‌دهی و تقویت هویت ملی قرار گیرد.

مرور ادبیات پژوهش

مطالعات مرتبط با موسیقی ملی ایران را می‌توان در سه دسته اصلی جای داد:

۱. منابع تاریخی و توصیفی: آثاری که بیشتر به گردآوری داده‌های تاریخی و ثبت فعالیت‌های موسیقایی پرداخته‌اند، مانند نوشته‌های روح‌الله خالقی درباره موسیقی ایران و نیز پژوهش کریمی (۱۳۸۲). این منابع در بازسازی تاریخ موسیقی ملی ایران ارزشمندند، اما بیشتر بر روایت وقایع

متمرکز بوده و کمتر به تحلیل جامعه‌شناختی پرداخته‌اند.

۲. پژوهش‌های نظری و تحلیلی: بخشی از ادبیات معاصر کوشیده است موسیقی ملی را در پیوند با فرایندهای کلان اجتماعی و فرهنگی بررسی کند. هس‌موندهاگ (۲۰۲۰)، با تأکید بر رابطه موسیقی و هویت جمعی، نقش رسانه‌ها و نهادهای آموزشی را در تثبیت موسیقی ملی برجسته کرده است. همچنین دیدگاه‌های کلاسیک جامعه‌شناسانی چون دورکیم (۱۹۹۵/۱۹۱۲) درباره کارکرد آیینی موسیقی، چارچوبی نظری برای درک پیوند موسیقی و انسجام اجتماعی فراهم می‌کند.

۳. مطالعات انتقادی و معاصر درباره ملی‌گرایی موسیقایی: در این دسته، پژوهش‌هایی جای می‌گیرند که به بررسی انتقادی فرآیند ملی‌سازی موسیقی پرداخته‌اند. پایان‌نامه اختیار (۱۳۹۵) نمونه‌ای شاخص است که با تمرکز بر ارکستر موسیقی ملی ایران و مکتب ملی آهنگسازی نشان می‌دهد چگونه پروژه‌های موسیقایی با سیاست‌های فرهنگی و گفتمان‌های ملی‌گرایانه پیوند خورده‌اند. این پژوهش همچنین بر تضادها و چالش‌های سنت و مدرنیته در این روند تأکید دارد. با وجود این منابع، جای خالی پژوهشی که به‌طور خاص بر نقش روح‌الله خالقی در بازنمایی هویت ملی تمرکز کند، همچنان محسوس است. اغلب پژوهش‌ها یا به توصیف فعالیت‌های او بسنده کرده‌اند یا او را در حاشیه جریان‌های کلان‌تر بررسی نموده‌اند، بی‌آنکه تحلیلی جامعه‌شناختی از آثار و اندیشه‌های وی ارائه دهند. همین خلأ، ضرورت پژوهش حاضر را برجسته می‌سازد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و بر پایه‌ی تحلیل اسنادی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه‌ی آثار موسیقایی و نوشتاری روح‌الله خالقی، بررسی پژوهش‌های پیشین درباره‌ی موسیقی ملی ایران و مرور متون نظری در حوزه‌ی جامعه‌شناسی موسیقی گردآوری گردید. تمرکز اصلی بر تحلیل محتوای آثار خالقی و تفسیر آن‌ها در پیوند با گفتمان‌های ملی‌گرایی موسیقایی در ایران سده‌ی بیستم بوده است. در گام نخست، منابع تاریخی و موسیقی‌شناختی شناسایی و دسته‌بندی شدند. سپس با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی - به‌ویژه نظریه‌های مرتبط با هویت جمعی و کارکردهای فرهنگی موسیقی (دورکیم، ۱۹۹۵/۱۹۱۲؛ هس‌موندهاگ، ۲۰۲۰) - آثار خالقی در بستر اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی او

بازخوانی شد. برای تکمیل تحلیل، از پژوهش‌های معاصر در زمینه‌ی مکتب ملی آهنگسازی و تحولات ارکستر موسیقی ملی ایران نیز بهره گرفته شد.

به‌کارگیری این روش، امکان پرهیز از روایت صرفاً تاریخی را فراهم ساخته و شرایطی ایجاد کرده است تا جایگاه خالق در بازنمایی هویت ملی ایران با نگاهی انتقادی و تحلیلی بررسی شود.

تحلیل یافته‌ها

بررسی آثار و اندیشه‌های روح‌الله خالقی نشان می‌دهد که تلاش او برای بازنمایی هویت ملی ایران را می‌توان در سه محور اصلی دنبال کرد:

۱. تلفیق سنت و نوآوری: خالقی کوشید موسیقی دستگای ایران را در قالبی نوین بازآفرینی کند. بهره‌گیری از ارکستر در کنار سازهای سنتی و به‌کارگیری فرم‌های چندصدایی در برخی تنظیم‌ها، جلوه‌ای روشن از این رویکرد است. در تصنیف‌ها و تنظیم‌های محلی او، زبانی موسیقایی شکل گرفت که برای مخاطب ایرانی آشنا بود و در عین حال با معیارهای موسیقی نوین نیز همخوانی داشت.

۲. هویت ملی و انسجام اجتماعی: سرودها و تصنیف‌های میهنی خالقی نقشی تعیین‌کننده در تقویت احساس تعلق جمعی ایفا کردند. سرود «ای ایران» بارزترین نمونه است که با گذشت دهه‌ها همچنان به‌عنوان نماد همبستگی ملی شناخته می‌شود. این کارکرد اجتماعی را می‌توان با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره نقش آیینی و انسجام‌بخش موسیقی توضیح داد.

۳. نهادسازی و آموزش موسیقی: خالقی نه تنها به‌عنوان آهنگساز بلکه در مقام بنیان‌گذار و مدیر هنرستان موسیقی ملی، نقشی بنیادین در تثبیت گفتمان موسیقی ملی داشت. تربیت نسل تازه‌ای از موسیقی‌دانان، که در کنار آشنایی با موسیقی دستگاهی با مبانی علمی و فنون غربی نیز آشنا بودند، استمرار پروژه‌ی موسیقی ملی را تضمین کرد.

در کنار این دستاوردها، پروژه‌ی خالقی بی‌انتقاد نیز نمانده است. شماری از منتقدان آثار او را متأثر از الگوهای غربی دانسته و آن را فاصله‌گیری از «اصالت» موسیقی ایرانی ارزیابی کرده‌اند. چنین دیدگاه‌هایی، چه در زمان حیات او و چه در پژوهش‌های معاصر، مطرح بوده است. با این همه، واقعیت آن است که خالقی با آگاهی از این چالش‌ها راهی میانه میان سنت و نوگرایی برگزید و

کوشید تعادلی نسبی برقرار کند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که خالقی نه تنها آهنگسازی برجسته بلکه کنشگری فرهنگی بود که موسیقی را به ابزاری برای بازنمایی هویت ملی و انسجام اجتماعی بدل ساخت. تلاش‌های او بخشی از روند گسترده‌تر ملی‌گرایی موسیقایی در ایران بود؛ جریانی که از اوایل سده بیستم آغاز شد و در قالب مکتب ملی آهنگسازی و ارکسترهای بزرگ ادامه یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که موسیقی روح‌الله خالقی فراتر از یک فعالیت هنری صرف، ابزاری مؤثر برای بازنمایی هویت ملی و تقویت انسجام اجتماعی در ایران سده بیستم بوده است. او با بهره‌گیری از میراث موسیقی دستگاهی و هم‌زمان به‌کارگیری تکنیک‌های نوین، توانست میان سنت و نوگرایی تعادلی نسبی برقرار سازد و بستری برای بازآفرینی فرهنگی فراهم آورد.

سرودها و تصنیف‌های میهنی خالقی، به‌ویژه «ای ایران»، نمونه‌ای روشن از نقش موسیقی در برانگیختن احساس تعلق جمعی است. این آثار نه تنها بیانگر خاطره‌ی تاریخی و فرهنگی ایرانیان بودند، بلکه به‌عنوان آیین‌های اجتماعی عمل کردند و افراد را در تجربه‌ای مشترک به هم پیوند دادند. از این منظر، موسیقی خالقی در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی فرهنگ، نمونه‌ای بارز از پیوند هنر و ملت‌سازی محسوب می‌شود.

نقش خالقی در نهادسازی و آموزش موسیقی نیز بُعد دیگری از اهمیت او را آشکار می‌کند. تأسیس هنرستان موسیقی ملی و تألیف آثاری چون سرگذشت موسیقی ایران زمینه‌ای پایدار برای انتقال و تداوم گفتمان موسیقی ملی فراهم آورد. این اقدامات سبب شد که موسیقی ملی از سطح یک جریان هنری فردی فراتر رود و به سرمایه‌ای فرهنگی و اجتماعی بدل شود.

البته پروژه‌ی خالقی بدون چالش نبود. برخی منتقدان آثار او را بیش از حد متأثر از الگوهای غربی دانسته و آن را دور شدن از اصالت موسیقی ایرانی ارزیابی کرده‌اند. چنین نقدهایی نشان می‌دهد که گفتمان موسیقی ملی همواره محل مناقشه میان سنت‌گرایی و نوگرایی بوده است. با وجود این، خالقی کوشید با اتخاذ رویکردی میانه، از یک‌سو میراث گذشته را پاس بدارد و از سوی

دیگر موسیقی ایران را با شرایط مدرن سازگار سازد.

به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که پروژه‌ی موسیقایی خالقی بخشی از روند گسترده‌تر ملی‌گرایی فرهنگی در ایران بود؛ روندی که با هدف ایجاد هویتی پویا و پایدار در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی شکل گرفت. این مطالعه نشان می‌دهد که موسیقی، افزون بر ارزش زیباشناختی، ظرفیتی بنیادی برای شکل‌دهی هویت جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی دارد.

منابع

- کریمی، م. (۱۳۸۲). روح‌الله خالقی و موسیقی ملی ایران. تهران: نشر فرهنگ ایران.
- حسینی، ا. (۱۳۸۹). موسیقی و هویت ملی در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران.
- موسوی، ن. (۱۳۹۴). تأثیر موسیقی ملی بر تربیت فرهنگی نسل جوان (رساله دکتری). دانشگاه هنر، تهران.
- اختیار، غ. (۱۳۹۵). ملی‌گرایی در بستر ارکستری موسیقی کلاسیک ایران: از مکتب ملی آهنگسازی تا ارکستر موسیقی ملی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه هنر، تهران.
- Anderson, B. (1983). *Imagined communities: Reflections on the origin and spread of nationalism*. London: Verso.
- Bourdieu, P. (1993). *The field of cultural production: Essays on art and literature*. New York: Columbia University Press.
- Durkheim, E. (1995). *The elementary forms of religious life* (Original work published 1912). New York: Free Press.
- Eisenstadt, S. N. (2000). Multiple modernities. *Daedalus*, 129(1), 1–29.
- Frith, S. (1996). *Music and identity*. London: Routledge.
- Hall, S. (1996). Cultural identity and diaspora. In P. Williams & L. Chrisman (Eds.), *Colonial discourse and post-colonial theory: A reader* (pp. 392–403). London: Harvester Wheatsheaf.
- Halbwachs, M. (1950). *La mémoire collective*. Paris: Presses Universitaires de France.
- Hesmondhalgh, D. (2020). *The cultural industries*. London: Sage.
- Khaleqi, R. (1955). *Sargozasht-e musiqi-ye Iran* [سرگذشت موسیقی ایران]. Tehran: Safi-Alishah.
- Nowak, R., & Bennett, A. (2022). Music, identity and technology: A global perspective. *Popular Music and Society*, 45(3), 245–263.
- Nooshin, L. (2005). Subversion and counter-subversion: Power, control and meaning in the new Iranian pop music. *British Journal of Ethnomusicology*, 14(2), 203–228.
- Smith, A. D. (1991). *National identity*. Reno: University of Nevada Press.
- Stokes, M. (1994). *Ethnicity, identity and music: The musical construction of place*. Oxford: Berg.
- Tagg, P. (2013). *Music's meanings: A modern musicology for non-musos*. New York: Mass Media Music Scholars' Press.